

## تاریخ جراحی

## روسیه، اسکاندیناوی، هلند برگرفته از کتاب تاریخ مصور جراحی

دکتر مصطفی جابرانصاری\*

درگذشت الکساندر اول (1777 – 1825 میلادی، Alexander I) در دهه 1820 میلادی به شورش اشراف و نظامیان ناراضی منتهی گردید که اولین ظهور نیروهای انقلابی در روسیه را مشخص می‌ساخت. خاستگاه و منشاء انقلابیون بعدی، به این نیروهای به اصطلاح دکابریست‌ها یا دسامبریست‌ها باز می‌گشت. نیکلای اول (1855 – 1796 میلادی) جانشین برادر خود الکساندر اول گردید. در دوران حاکمیت سی ساله نیکلای اول در تلاش برای حذف و از بین بردن تفکرات پیشرو انقلابی یکی از شدیدترین سرکوب‌ها صورت گرفت. این شیوه رهبری محافظه کارانه از بسیاری جنبه‌ها بازتابی از وضعیت پزشکی اولیه بود که هیچ قرابتی با پزشکی پیشرفته سایر کشورهای اروپایی نداشت.

الکساندر دوم (1818 – 1881 میلادی) فرزند نیکلای اول دوران فرمانروایی خود را به عنوان یک اصلاح طلب آغاز کرد. در سال 1861 میلادی الکساندر الغای نظام ارباب و رعیتی و آزادی سرف‌ها را اعلام نمود و در جهت نوسازی (مدرنیزاسیون) و ارتقای وضعیت پزشکی اولیه برنامه‌ریزی نمود. با وجود این تغییرات و تحولات نسبتاً روشن‌گرانه وی جهت برآورده ساختن نیازهای روبه افزایش برخی از گروه‌های خاص کفایت نمی‌کرد و به واسطه انفجار بمبی تروریستی در مرکز سن پترزبورگ به قتل رسید. پس از ترور وی دورانی از بازگشت به عصر ارتجاعی از طریق حاکمیت دو تن از آخرین رومانف‌ها الکساندر سوم (1894 – 1845 میلادی) و نیکلای دوم (1918 – 1868 میلادی) تداوم یافت.

تا پیش از اواسط سده نوزدهم در روسیه، در زمینه آموزش جراحی و تربیت جراح اقدامات ناچیزی صورت گرفته بود و در کل کشیش‌ها به عنوان تأمین کننده مراقبت‌های پزشکی مردم خدمت می‌کردند. اگر فردی از اغنیا و طبقات بالای جامعه نیازمند توجهات و مراقبت‌های تخصصی می‌گردید، معمولاً فردی از کشور دیگری جهت ارائه خدمات احضار می‌شد.

دوران مدرن (نوین) جراحی روسیه با نیکولای پیروگف (1881 – 1810 میلادی، Nikolai Pirogoff) آغاز شد. از طریق تلاش‌های یکی از دوستان خانوادگی وی در سال 1824 میلادی در دانشکده پزشکی مسکو پذیرفته شد. هشت سال بعد پیروگف مدرک دکترای خود را دریافت کرده و به مدت دو سال دیگر نیز در برلین و گوتینگن (Göttingen) به تحصیل پرداخت.

نویسنده پاسخگو: دکتر مصطفی جابرانصاری

تلفن: 7-88505595

E-mail: [ansari\\_17@yahoo.com](mailto:ansari_17@yahoo.com)

\*متخصص جراحی عمومی و اطفال، بیمارستان مهراد



تصویر 1- تصویر نیکلای ایوانوویچ پیروگف (N. Ivanovitch Pirogoff) برجسته‌ترین جراح روسی دوران خود که ابداعات بسیاری در تکنیک‌های جراحی به عمل آورد (شرکت جرمی نورمن و همکاران).

در سال 1836 میلادی وی به مقام استادی کرسی جراحی دانشگاه دورپات (Dorpat) انتخاب گردید. چهار سال پس از آن به مقام استادی جراحی آکادمی پزشکی - جراحی در سن پترزبورگ (St. Petersburg) منصوب شد و تا سال 1856 در این سمت باقی مانده و سپس برای همیشه از آموزش و اعمال بیمارستانی کناره‌گیری نمود. قسمت اعظم مهمترین تحقیقات پیروگف در سن پترزبورگ صورت گرفت. در سال 1847 میلادی پیروگف به اولین جراحی که اتر را از طریق رکتال تجویز نمود (Rectal Etherization) بدل شد. کتاب وی با نام *Rocherches Pratiques Et Physiologiques Sur l'Etherization* نشان داده که وی از نخستین جراحانی در اروپا بوده که بیهوشی با اتر را مورد پذیرش قرار داده است. کتاب سه جلدی پیروگف با عنوان *Klinische Chirurgie* (1854 - 1851 میلادی) یکی از مهمترین آثاری است که در اواسط سده نوزدهم در زمینه جراحی منتشر شده است و جالب آن که ترجمه آلمانی آن پیش از چاپ آن به زبان روسی منتشر گردیده است. مجموعه هشت جلدی *Anatome Topographica Sectronibus per Corpus Humanum Congelatum Triplici Directione Ductis Illustrata* (1852 - 1859 میلادی) بیانگر گزارش نخستین مورد کاربرد حائز اهمیت برش مقاطع منجمد (بخ زده) در آناتومی است (Frozen Section). پیروگف از مهارت‌های بالینی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و در سال 1854 میلادی در مقاله‌ای شیوه آمپوتاسیون استئوپلاستیک پا را گزارش نمود. بعدها در جریان زندگی حرفه‌ای خود مجذوب ارتقای وضعیت بهداشتی گردید. اقدامات و تلاش‌های وی در جهت بهبود وضعیت و شرایط در بیمارستان نظامی‌اش در سن پترزبورگ موجب بروز آن چنان احساسات ناخوشایند و نارضایتی گردید که ریاست بیمارستان وی را دیوانه خوانده و مجبور شد تا از سمت استادی خود کناره‌گیری نماید. در هنگام جنگ کریمه (Crimean War) پیروگف عهده‌دار سازماندهی کمک‌های پزشکی بوده و به توسعه اصول اساسی جراحی در میدان جنگ کمک نمود. وی همچنین در ترویج و معرفی کمک‌های زنان در دوران جنگ نقش مؤثری داشته است که در نهایت به تشکیل صلیب سرخ روسیه منجر شد. پس از جنگ، پیروگف محدودیت‌های موجود در راه آموزش و تحصیل فقرا و شهروندان غیرروسی را محکوم نموده و از حق تحصیل زنان حمایت نمود. مثلثی آناتومیک (تشریحی) که تاندون میانی عضلی دی گاستریک کناره خلفی عضله میلوهیوئید و عصب زیرزبانی (هیپوگلسال) اضلاع آن را تشکیل می‌دهند به نام مثلث پیروگف خوانده می‌شود.

جراحان روسی متولد شده بعد از سال 1830 میلادی بودند که ورود جراحی این کشور به عصر پس از لیستر را هدایت کردند. رابرت ردن (Robert Wreden، 1893 - 1937 میلادی) اتولوژیستی (جراح بیماری‌های گوش) در سن پترزبورگ بود. وی جراح تزارها بوده و نخستین جراحی بود که توجه ویژه‌ای به اتومایکوزیس (عفونت‌های قارچی گوش) داشت (1867 میلادی). نشانه‌ای بالینی که در آن ماده‌ای ژلاتینی بطور کامل مجرای گوش خارجی نوزاد مرده به دنیا آمده را پر می‌کند به نشانه ردن معروف است. ولادیمیر ولادیمیروف (Vladimir Vladimirov، 1903 - 1837 میلادی) به سبب رزکسیون استئوپلاستیک مچ پا که پس از آن بیمار روی پنجه پا راه می‌رود در یادها مانده است.

کارل ریر (Carl Reyher، 1890 - 1846 میلادی) اهل ریگا (Riga) بوده و مدرک دکترای خود را از دانشگاه دورپات (Dorpat) اخذ نمود (1870 میلادی) وی بزودی در لیست جراحان ارتش پروس جهت خدمت در مقام جراح در طی جنگ فرانسه و پروس قرار گرفت. در سال 1872 میلادی ریر به کلینیک برگمان (Bergmann) در محل تحصیل سابقش پیوست و تا سال 1877 میلادی که علیرغم اعتراضات استادش به ارتش روس پیوست، در آنجا ماند. در جریان جنگ روسیه با ترکیه ریر کار خود در زمینه دبریدمان جراحات‌های جنگی را آغاز کرد. از طریق تلاش‌های وی مطالعه‌ای کنترل شده درباره ارزش دبریدمان در زخم‌های آلوده شده ناشی از گلوله صورت گرفت (1881 میلادی). در سال 1883 میلادی، ریر به ریاست بخش جراحی بیمارستان سیمنوف (Semenov Hospital) در سن پترزبورگ رسید. همچون بسیاری از نوآوران وی نیز با مخالفت‌های فراوانی در مورد معرفی و ترویج تکنیک‌های لیستری مواجه شد. این مخالفت‌ها همراه با ناپایداری ازدواجش موجب گردید تا در جریان یک اردوی شکار اقدام به خودکشی نماید.

پتر دیاکونوف (Peter Dyakonov، 1908 - 1855 میلادی) استاد جراحی دانشگاه اورل (Orel) و بنیان‌گذار کنگره سالیانه جراحان روسیه بوده که از سال 1888 میلادی سالیانه تشکیل می‌شده است. دیاکونوف همچنین سردبیر اولین ژورنال جراحی روسیه به نام *Kirurgiya* (1908 - 1897 میلادی) بوده است.

## اسکاندیناوی

در آغاز سده نوزدهم، تقریباً مدت بیست سال بود که آکادمی جراحی دانمارک به عنوان مرجع اصلی آموزش جراحان دانمارک در حال فعالیت بود. هنری کالیسن (1824 - 1740 میلادی، Henry Callisen) اهل هولشتاین (Holstein) و شاگرد کروگر (Kruger) بود. پس از فارغ التحصیلی (1767 میلادی) کالیسن به مطالعات خود نزد ویلیام هانتزر در لندن و سپس در پاریس ادامه داد. پس از بازگشت به کپنهاگ (Copenhagen) به ریاست بخش جراحی نیروی دریایی رسید و در سال 1773 میلادی استاد جراحی در محل تحصیل سابق خود شد. مهمترین آثار مکتوب کالیسن عبارتند از: *Institutiones Chirurgicae Hodiernae* (1777 میلادی) و *Systema Chirurgicae Hodiernae* (1778 میلادی).

آدولف کالیسن (1866 - 1787 میلادی) برادرزاده هنری کالیسن بوده و در سال 1809 میلادی از دانشگاه کیل (Kiel) فارغ التحصیل شد و استاد جراحی آکادمی جراحی کپنهاگ بود (1817 میلادی) و یک ربع قرن بعد به مقام استاد جراحی دانشگاه کپنهاگ منصوب شد. شناخته شده ترین اثر کالیسن مجموعه سی و سه جلدی *Medicinisches Schriftsteller- Lexicon Der Jetzt-Lebenden Arzte* (1845 - 1830 میلادی) بود که مفصل ترین کتاب شناسی پزشکی در عصر خود بوده و مرور کاملی بر تمامی مراجع پزشکی و جراحی از سال 1780 میلادی تا سال 1830 میلادی بعمل آورده است. این مجموعه یکی از بزرگترین دستاوردهای مکتوب یک جراح خاص می باشد.

نیل روزینگ (1927 - 1862 میلادی، Niels Rovsing) مشهورترین جراح دانمارکی در آغاز سده بیستم بود. وی در سال 1899 میلادی به مقام استاد جراحی عملی در دانشگاه کپنهاگ منصوب شد. پنج سال بعد به مقام جراح ارشد بیمارستان فردریک (Frederiks Hospital) رسید. وی یکی از بنیان گذاران جامعه جراحان دانمارک بود. نشانه‌های بالینی در آپاندیسیت حاد، بروز درد در ربع تحتانی و راست شکم در اثر اعمال فشار بر روی کولون نزولی، به نام وی موسوم است.

مهمترین جراح سوئدی در سال‌های اولیه قرن نوزدهم پتر بیرکین (1818 - 1755 میلادی، Peter Byerkin) بود. وی نزد جان هانتزر (John Hunter) تحصیل نموده و در مقام جراح نظامی در ارتش فنلاند خدمت کرد. بیرکین در سال 1809 میلادی به ریاست بخش جراحی در استکهلم (Stockholm) منصوب شد و آثار مکتوب چندانی از خود باقی نگذاشت. کارل سنتسون (1886 - 1819 میلادی، Carl Santesson) اهل گوتنبرگ (Gothenburg) بوده و از دانشگاه اوپسالا (Uppsala) فارغ التحصیل شد (1846 میلادی). وی مطرح ترین جراح سوئدی در نیمه دوم قرن نوزدهم بوده و در مقام استاد جراحی در استکهلم خدمت نمود. در سال 1878 میلادی آدولف لیندستات (1915 - 1847 میلادی، Adolf Lindstedt) و یوهان والدنستروم (1879 - 1839 میلادی، Johan Waldenstrom) نخستین عمل جراحی ثبت شده در ولولوس سیگموئید را گزارش نمودند. نام والدنستروم با آزموننی جهت وجود پورفیرین در ادرار و سندرومی بالینی که در آن ماکروگلوبولین‌ها در خون در گردش یافت می‌شوند، مرتبط است.

## هلند

در سال 1795 میلادی هلند اتریش ضمیمه جمهوری فرانسه گردید. دانشکده‌های پزشکی بلژیک و بیشتر دانشکده‌های پزشکی فرانسه تعطیل شدند و در نتیجه در هر شهر بزرگی تلاش می‌شد تا با برگزاری امتحانات منطقه‌ای و محلی طبابت در منطقه خود را قانون‌مند سازند. دانشکده‌هایی که تأسیس کردند از کیفیت نازلی برخوردار بوده و منحصرراً آموزش‌های اولیه در زمینه جراحی و مامایی را در اختیار افراد فاقد تحصیلات آکادمیک و نسبتاً بی‌سواد قرار می‌دادند. در سال 1815 میلادی هلند سازماندهی جدیدی پیدا کرده و دانشکده‌های گنت (Ghent) و لیژ (Liege) تأسیس شده و دانشگاه قدیمی لوون (Louvain) نیز بازگشایی شد. آموزش‌ها عمدتاً به زبان لاتین صورت می‌گرفت و با وجود این سایه نفوذ آلمان سنگینی بود. حاصل تمامی این موارد شکست در زمینه آموزشی بود و اکثر دانشجویان پزشکی بلژیکی ترجیح می‌دادند تا در پاریس به تحصیل بپردازند. نا آرامی‌های سیاسی اوایل دهه 1830 میلادی موجب تعطیلی مجدد دانشگاه‌ها گردید. در سال 1835 میلادی دانشگاه‌ها بازگشایی شدند، اما این بار نفوذ فرانسویان بیشتر از گذشته بود.

کریستین تیلانوس (Christian Tilanus، 1796 – 1883 میلادی) در سال 1819 میلادی از دانشگاه اوترخت (Utrecht) فارغ التحصیل شد. سپس در پاریس و نزد دپوئیترن و لیس فرانک به تحصیلات خود ادامه داد. در سال 1828 میلادی تیلانوس به مقام استاد جراحی و مامایی دانشگاه آمستردام (Amsterdam) منصوب گردید و در همان مرکز نخستین جراحی بود که آموزش بالینی جراحی در کنار بالین بیماران را ارائه نمود.